



نگارش نقدهای عالمانه کم‌ارزش‌تر از مقاله پژوهشی نیست



سجاد آیدنلو*

تصحیح متون بسرعت روانه بازار می‌کند و غالباً راه را برای کسانی که می‌خواستند یا می‌خواهند آن اثر را روشمندانه، اما احیاناً در مدت زمانی طولانی تصحیح کنند، می‌بندد. به نظر شما، عالمانه نبودن نقد در سرعت بخشیدن به این روند نقش داشته است؟ برای پرورش منتقدان چه باید کرد؟

بی‌گمان تأثیر بسیار داشته است. اگر متخصصان فنون گوناگون پی‌گیرانه و به صورت روزآمد هر دو دسته از آثار ضعیف و درخشان حوزه تخصصی خویش را به صورت مکتوب و دقیق در مجلات معتبر مربوط معرفی و بررسی کنند، از جرأت و جسارت کتاب‌سازان — و بدتر از آن، سارقان ادبی نوشته‌های دیگران — کاسته می‌شود؛ زیرا پیوسته در این بیم و اضطراب خواهند بود که صاحب‌نظران به طور مستند و روشن، کوس رسوایی آن‌ها را بزنند؛ ولی نقطه ضعف افسوس‌آمیز این است که برخی از متخصصان در شماری از حوزه‌ها یا چنان که باید پی‌گیر همه کارهای منتشرشده در زمینه علمی خود نیستند و از کم و کیف کارها آگاهی دقیق ندارند یا نقد برخی کتاب‌های ضعیف را به هر دلیل درست نمی‌دانند و با پیش گرفتن روش «خاموشی و فراموشی» خوانندگان و علاقه‌مندان را از چگونگی کتاب‌های چاپ‌شده در زمینه کار خویش آگاه نمی‌کنند. به اعتقاد بنده ارزش زحمت نگارش و میزان روشنگری و سودمندی مقاله درست و اصولی «نقد کتاب» به هیچ روی کمتر از مقاله «پژوهشی» نیست و محقق و متخصص هر رشته و فن باید به این هر دو گونه مقاله، به یکسان توجه عملی نشان دهد.

به نظر شما چرا در سال‌های اخیر، کتاب‌سازی رایج‌تر شده است؟ آیا این موضوع از نبود قوانین کافی نشأت می‌گیرد؟ پاسخ کلی و عمومی این پرسش، کم‌مایگی عده‌ای است که می‌خواهند از این راه به نام و نانی برسند، اما از منظری دیگر و نیز تا حدودی دقیق‌تر، شاید یک دلیل عمده رواج نسبی این تباه‌کاری، از یک سو قوانین و آیین‌نامه‌های دانشگاهی است که اعضای هیئت علمی را، بحق، مکلف به انجام کارهای پژوهشی کرده و در نتیجه کم‌مایگانی که از خود حرفی برای گفتن ندارند، برای رعایت صورت ظاهر و کسب امتیازهای لازم برای تبدیل وضعیت و تمدید حکم، چاره‌ای جز کتاب‌سازی، چندباره کاری و اثنانویسی نمی‌بینند. نکته جالب و در عین حال عجیب این است که چنین کسانی غالباً تب و تاب و تعجیل فراوانی نیز برای طی مراحل کاری و ارتقا دارند و چون به این شیوه (کتاب‌سازی) خو گرفته‌اند، با بهره‌گیری از لطایف‌الحیل مربوط به این کار، گاهی بهتر، زودتر و آسان‌تر از پژوهشگران واقعی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی به مراتب دانشیاری و استادی — البته فقط روی کاغذ و در مقام اسم و صورت — می‌رسند.

این رویه را در حوزه تصحیح متون چگونه ارزیابی می‌کنید؟ به نظر بنده، چون تصحیح و احیای متن دشواری‌هایی مانند شناختن متن و دسترسی به دست‌نویس‌های آن را دارد، آسانی‌طلبان و پخته‌خواران — در مقایسه با تألیف — کمتر به این وادی وارد می‌شوند، با این همه در مواردی ملاحظه می‌شود که شخصی ناکارآزموده یا غیرمحقق و شتاب‌کار دست بر متنی مهم می‌گذارد و آن را به دور از هر گونه اصول علمی

* استادیار دانشگاه پیام نور اورمیه



به نظر شما، از چه راه‌هایی می‌توان با این جریان مقابله کرد؟

افزایش مجلات نقد کتاب و ارتقای کمی و کیفی آنها و کوشش برای ایجاد این مشی علمی در میان محققان که با اشراف در زمینه مطالعات و تحقیقات خویش به پیروی از سنت نیاکانی به نقد (رد یا تأیید) شفاهی کتاب‌های جدید بسنده نکنند؛ بلکه معرفی و بررسی مکتوب و چاپ‌شده آثار را (ولو کوتاه و مختصر) در مجلاتی چون آینه میراث، گزارش میراث، جهان کتاب، کتاب ماه ادبیات، نشر دانش، نامه فرهنگستان، نامه ایران باستان، آینه پژوهش و... وظیفه و واجب عینی علمی خویش بدانند.

آیا ممیزی وزارت ارشاد می‌تواند چاره کار و بازدارنده این جریان باشد؟

ممیزی ارشاد بنا بر وظایفی که برایش تعریف شده، به بررسی عدم مغایرت آثار با اصول و قوانین دینی، ملی، فرهنگی، اجتماعی و انسانی می‌پردازد و تعیین درجه اعتبار علمی کتاب‌ها در حیطه کار و تخصص این بخش نیست؛ مگر این که وزارت ارشاد بخواهد در کنار بررسان کتاب، از متخصصان و صاحب‌نظران نیز برای ارزیابی محتوای علمی و ادبی

کتاب‌ها استفاده کند (مشابه داوران جشنواره‌ها و آیین‌های مختلف) که البته کار بسیار زمان‌گیر و پرهزینه‌ای خواهد بود. شاید اگر ناشران معتبر شیوه اخیر را بدرستی به کار بگیرند و کتاب‌هایی را که برای چاپ به آنها عرضه می‌شود، از صافی نظر متخصصان بگذرانند، تا حدودی از کتاب‌سازی کاسته شود و از طرف دیگر، شهرت و اعتبار خودشان هم محفوظ بماند. با این حال، همیشه کسانی هستند و خواهند بود که از طریق ناشران کم‌اعتبار و کوچک و یا حتی با گرفتن مجوز نشر، شخصاً کتاب‌های برساخته یا سرقت‌کرده خویش را چاپ کنند، لذا به اعتقاد بنده نهایتاً همان نقدهای سخت‌گیرانه و باریک‌بینانه فعلاً روش مناسبی برای مقابله با این کسان است. یک پیشنهاد هم می‌تواند این باشد که اداره بررسی کتاب وزارت ارشاد، آیین‌نامه‌ای تصویب و اجرا کند که اگر تخلف مؤلفی — بویژه در موضوع سرقت ادبی — بر اساس مقاله یا مقالات مستدل صاحب‌نظران تأیید شود، از صدور مجوز برای دیگر کارهای آن شخص پرهیز کند. سردبیران نشریات معتبر نیز می‌توانند با تهیه فهرستی از این‌گونه افراد، از چاپ مقالات آنان خودداری کنند.

■

تازه‌های میراث مکتوب



تاریخ بوشهر
بر اساس یگانه نسخه کتابخانه
مرکزی دانشگاه تهران
تألیف:
محمدحسین سعادت کازرونی
(۱۳۸۲-۱۳۵۴ ه.ق.)
تصحیح و تحقیق:
عبدالرسول خیراندیش
عمادالدین شیخ‌الحکمایی
چاپ اول: ۱۳۹۰
بها: ۹۵۰۰ تومان



تاریخ بوشهر
محمدحسین سعادت
(۱۳۵۴-۱۳۸۲ ه.ق.)
عبدالرسول خیراندیش
عمادالدین شیخ‌الحکمایی

تاریخ بوشهر اثر ارزشمند شیخ محمدحسین سعادت (درگذشته ۱۳۱۴ ش) از رجال آزادی‌خواه، نوگرا و پرتلاش عصر مشروطه و مدیر مدرسه سعادت بوشهر است. سعادت، در بخش مهمی از این کتاب، مشاهدات و اندیشه‌های خود را درباره اوضاع شهر، حوادث و وقایع آن دوره منعکس ساخته است.

